

## اعجاز در ادب و هنر در قرآن

همه ادیبان عرب و آشنایان به ادبیات عربی و پیشوایان تفسیر و حدیث - حتی مخالفان قرآن - از دیرباز تا کنون، اتفاق نظر دارند...



همه ادیبان عرب و آشنایان به ادبیات عربی و پیشوایان تفسیر و حدیث - حتی مخالفان قرآن - از دیرباز تا کنون، اتفاق نظر دارند که قرآن مجید، سرشار از صنایع و هنرهای ادبی و بلاغت است؛ زیرا فصاحت، هنری است که بر محور لفظ و صوت بیرون آمده از دهان و زبان و دندان می‌چرخد، اما بلاغت ذاتاً از اوصاف معانی است و سپس عارض لفظ می‌شود؛ یعنی بلاغت بر محور عقل و عقلیات و نفس و نفسیات و معانی می‌گردد و به قضایای معقول تعلق دارد؛ بر خلاف فصاحت که روی‌کردش بر قضایای لفظی است. پس، عالم لفظ (فصاحت) چون بر پایه حروف لفظی است محدود می‌باشد، اما عالم معنا (بلاغت) بر صورت‌های ذهنی و شؤون روحی و خاطرات نفسانی استوار است. از این‌رو، نامحدود است.

معانی هرگز اندر حرف ناید که بحر قلزم اندر ظرف ناید(1)

بر این اساس، بلاغت ذوقی و معنوی، گستره‌ای گسترده دارد و هرچه زمان به جلو رو می‌کند، این ساحت گسترده‌تر می‌شود؛ یعنی صنایع ادبی در آینده، به مراتب، بیش از آنچه پیشینیان یافته‌اند خواهد شد. بنابراین، بلاغت معنوی، مانند دریایی بی‌قرار است که ساحل و کرانه ندارد: قل لو كان البحر مداداً لكلمات ربّي لنفد البحر قبل أن تنفد كلمات ربّي و لو جئنا بمثله مدداً(2)؛ بگو: اگر دریا برای کلمات پروردگار مرکب شود، پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می‌یابد؛ هرچند مانندش را به مدد آن بیاوریم.

بر این پایه، واژگان قرآن، بهتر و بیش‌تر از سایر لغات می‌تواند خاطرات نفسانی و شؤون روحی و معنوی را بیان کند. از این‌رو، بلاغت قرآن، بیش از آنچه استادان بلاغت در تعریف آن گفته‌اند (موافقت کلام فصیح با مقتضای حال و مقام)، شامل زیبایی‌هایی می‌شود که ذوقیات و معنویات بی‌حد و مرز بشر، آن‌ها را از خود باز شناخته، یا در آینده خواهد کاوید.

به دیگر سخن، بلاغت قرآن و زیبایی‌های آن، دانش و فنّ معانی بیان را آفریده است؛ آن‌گونه که علم صرف و نحو و بسیاری از علوم و فنون دیگر را آفرید. و خواهد آفرید. پس، این علوم، وام‌دار قرآن و مشایعت کنندگان آنند.

بر این اساس، زیبایی‌شناسان قرآن و هنر جوینان او حدود هفتاد زیبایی از وجوه بلاغت، در سوره کوچک فاتحة الكتاب شناخته‌اند که ده‌تای آن، تنها در آیه مالك يوم الدين(3) است. این، تنها به حسب استعداد پژوهش‌گران و قرآن‌کاوان است و بسا در آینده به رقمی بیش از این دست یازند.

1. شبستری.

2. سوره كهف، آیه 109.

3. سوره حمد، آیه 4.

وحی و نبوت، ص 310-312